

تأثیر درس انقلاب اسلامی بر ارتقاء میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه کرمان)

سیروس قنبری^۱

محمود زیوری رحمان^۲

سولماز شکوهی مقدم^۳

چکیده

این تحقیق با هدف «بررسی تأثیر درس انقلاب اسلامی بر ارتقاء میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم» صورت گرفته است. روش تحقیق، توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای بود. نمونه تحقیق ۵۲۰ نفر (۲۶۰ نفر درس انقلاب اسلامی را گذرانده و ۲۶۰ نفر درس فوق را نگذرانده) از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، از آزمون محقق ساخته ۶۴ ماده‌ای سنجش میزان آشنایی با جنگ نرم، پس از برآورد روایی، پایایی، ضریب تمیز و ضریب دشواری استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های مناسب آمار توصیفی و نیز از آزمون t برای گروه‌های مستقل و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که، از بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند، ۱/۹ درصد در سطح کم، ۴۷/۳ درصد در سطح متوسط و ۵۰/۸ درصد در سطح زیاد، با جنگ نرم آشنایی داشتند و در بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را نگذرانده‌اند، ۳۳/۵ درصد در سطح کم، ۶۲/۳ درصد در سطح متوسط و ۴/۲ درصد در سطح زیاد، با جنگ نرم آشنایی داشتند و بین میانگین میزان آشنایی دانشجویان دو گروه با جنگ نرم تفاوت معنادار مشاهده شد. گذراندن درس انقلاب اسلامی در میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم در مجموع و نیز در دو بعد فرهنگی و اجتماعی مؤثر بوده است اما در بعد سیاسی مؤثر نبوده است، همچنین دانشجویان ضعیف از نظر پیشرفت تحصیلی، کمترین میزان آشنایی با جنگ نرم را داشتند.

کلید واژه‌ها: جنگ نرم، انقلاب اسلامی، بعد فرهنگی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی.

مقدمه

جنگ نرم، تجلی عرصه‌ای جدید از تقابل غرب با جهان اسلام است که به عنوان تهدیدی برای انقلاب اسلامی ایران بارها مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته است. این جنگ در اذهان و باورها شکل می‌گیرد و در صورت موفقیت دشمنان در این عرصه، مصون داشتن جامعه از پیامدهای آن آسان نخواهد بود. به همین دلیل بررسی ابعاد مختلف جنگ نرم و راه‌کارهای اساسی در روند مقابله با آن ضرورت دارد.

جوامع بشری همواره با عوامل تهدیدزایی مواجه بوده‌اند و تهدیدات متعددی جوامع بشری را درگیر کرده است. در یک تقسیم‌بندی کلی تهدیدات به دو دسته طبیعی و غیر طبیعی تقسیم می‌شوند (الیاسی، ۱۳۸۷: ۱۱). طی دو دهه گذشته، حوادث طبیعی در سراسر دنیا، منجر به مرگ حداقل سه میلیون نفر شده و ۸۰۰ میلیون نفر انسان دیگر، نیز به نحوی آسیب دیده‌اند. حوادث غیر طبیعی که جنگ بیشتر از همه رخ می‌دهد آسیب‌های فراوانی به انسان رسانده، طوری که براساس آمار موجود، بشریت در طول ۵ هزار سال تاریخ تمدن خود، ۱۴ هزار جنگ را دیده و در این جنگ‌ها بیش از ۴ میلیارد انسان جان باخته‌اند. در طی این چند هزار سال فقط ۲۶۸ سال بدون جنگ و مناقشه بوده است (کلرمان^۱، ۲۰۰۲: ۸۲).

بلایای طبیعی از اول خلقت جهان بوده و هست و تغییرات زیادی نکرده ولی بلایای غیر طبیعی، امروزه شکل دیگری به خود گرفته است و با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، نفوذ و سلطه و به دست آوردن مستعمرات از راه لشگرکشی‌های نظامی، به آسانی امکان پذیر نیست و در صورت اجرا، هزینه‌های زیادی بر مهاجمان تحمیل می‌کند به همین سبب طی دهه‌های اخیر سلطه‌طلبان روش نفوذ در کشورها را تغییر داده‌اند و از طریق سیاست فرهنگی (با عناوینی مثل تبلیغ مذهبی، رواج تکنولوژی، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت و ...) تلاش می‌کنند به اهداف شوم خود برسند (جاودانی شاهدین، ۱۳۸۴: ۲۷)، که به تعبیر مقام معظم رهبری از آن می‌توان به نام ناتوی فرهنگی، شیخون فرهنگی و یا جنگ نرم^۲ نام برد (دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه سمنان، ۱۸ آبان ۱۳۸۵). بنابراین امروز شرایط داخلی کشورهای توسعه نیافته و همچنین روابط دگرگون شده بین‌المللی، مقتضی روش‌های جدیدی است که عمدتاً به شکل تهاجم فرهنگی ظهور یافته است، در واقع امروزه دیگر شیوه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی در حد شیوه‌های فرهنگی کارایی ندارند (اسپرادی^۳، ۱۹۹۵: ۱۱۴).

1. Kellerman
2. Soft war
3. Spradeley

سلطه‌گران در این روش با استفاده از حربه‌های تبلیغاتی و تکنیک‌های خاص نفوذ همچون تحریف، نامنی، ایجاد تعارض، اعتباربخشی کاذب، تهدید و تطمیع، گسترش فحشا، ارائه نظر به جای حقیقت، جوسازی، شایعه، سانسور واقعیت‌ها، ادامه حربه‌ها، توجیه کردن، شستشوی مغزی، القای یأس، دروغ، تشنج و التهاب، مظلوم‌نمایی، جعل خبر، تضعیف روحیه، جاسوسی، ایجاد ترس، تجاهل عمدی، و ... به وسیله فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی پیشرفته، نظیر ماهواره، اینترنت، موبایل، تریبون‌های بین‌المللی و ... سعی در القای موارد ذکر شده دارند تا به اهداف خود یعنی از بین بردن هویت ملت‌ها، وابسته کردن آن‌ها و حتی از بین بردن بقاء ملت‌ها از جمله کشورهای جهان سوم، به خصوص جمهوری اسلامی ایران به خاطر باج ندادن به آن‌ها و روحیه استکبار ستیزی آن، دست یابند (نقیب‌السادات، ۱۳۸۷: ۲).

جنگ‌ها همیشه در حال تغییر محتوا هستند، طوری که جنگ‌ها را به چهار نوع نسل اول (جنگ‌های اولیه با سلاح سرد) جنگ‌های نسل دوم (جنگ‌های تاریخی و با سلاح‌های گرم کوچک تا ورود ماشین به عرصه نبرد) جنگ‌های نسل سوم (شامل جنگ‌های مکانیزه و به کارگیری ماشین‌های جنگی مثل بمب‌افکن‌های قول‌پیکر، جنگ اتمی و...) و بالاخره جنگ‌های نسل چهارم که با شروع و انفجار در علوم فناوری‌ها خصوصاً در زمینه اطلاعات، ارتباطات، الکترونیک، رایانه، ماهواره‌ها و ... سیر تکاملی خود را طی می‌کند که به جنگ نرم معروف شده است (زاده علی، ۱۳۸۸: ۴۴).

در واقع در سالیان اخیر، رویکرد تقابل‌گرا و خشونت‌محور با محوریت اقدامات نظامی سخت افزارانه در پیچیدگی‌های نظام بین‌الملل، جای خود را به رویکرد نرم افزاری و جنگ نرم داده است. این رهیافت از سوی مؤسسه‌های وابسته به بنیان‌های لیبرال - دموکرات همچون کمیته خطر ملی، بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی، مؤسسه هوور و بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها ترویج شده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۳۹).

نقطه آغازین شناخت مفهوم جنگ نرم را شناخت و تحلیل نظریه جوزف نای^۱ در خصوص مفهوم قدرت نرم^۲ شکل می‌دهد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۴) و منسجم‌ترین کتابی که با عنوان قدرت نرم انتشار یافته به وی تعلق دارد. به اعتقاد جوزف نای مبنای قدرت سخت یا جنگ سخت بر «اجبار» و مبنای قدرت نرم بر «اقناع» است و قدرت نرم عبارت از توانایی شکل دادن به علائق دیگران و هدایت رفتار آنان بدون بهره‌گیری از زور است (نای، ۱۳۸۳: ۴۵). به باور وی جنگ نرم، دو «بیکارگاه» دارد، یکی قلب و دیگری مغز. تصرف قلب‌ها و مغزها یا دل‌ها و ذهن‌ها، هدف منازعات نرم است. در جنگ نرم، عامل تهدید به

1. Joseph Nye

2. Soft power

دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک کند (نای، ۱۳۸۳: ۴۶).

جنگ نرم در برابر جنگ سخت^۱ در حقیقت شامل هر گونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۷۰). جنگ نرم در پی از پا در آوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا بنیان‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی، در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند. با این اوصاف، طیف وسیعی از اقدامات، از جنگ رایانه‌ای و فعالیت‌های اینترنتی گرفته تا راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی در فضای مجازی و موارد دیگر، در قالب مفهوم عنوان جنگ نرم می‌گنجد (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۷: ۸۵).

با توجه به تعاریف بسیاری که از جنگ نرم شده است می‌توان نتیجه گرفت که جنگ نرم، پدیده‌هایی همچون «تهاجم فرهنگی»، «عملیات روانی»، «نافرمانی مدنی»، «جهانی‌سازی فرهنگ» و جز این‌ها را نیز در بر می‌گیرد و اعم از آن است. جنگ نرم یک اقدام عمدی و تدبیر شده مبتنی بر منابع «قدرت نرم»، «روش‌های غیرخسونت‌آمیز» و «قدرت اقناع و همراه‌سازی»، مشتمل بر قلمروهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و قصد اصلی عاملان جنگ نرم، «تغییر هویت فرهنگی» و «تخریب الگوی سیاسی موجود» است که با تأثیر نهادن بر باورها و نگرش‌های پایه‌ای در بلند مدت محقق می‌شود. آماج جنگ نرم به مردم کشورها محدود نمی‌شود بلکه دولتمردان و نخبگان را نیز هدف قرار می‌دهد (نائینی، ۱۳۸۹: ۸). جنگ نرم از نظر قرآن جنگی است که ایمان و اعتقادات دینی و فرهنگی مردم را هدف قرار می‌دهد و مسلمانان باید همواره آمادگی دفاع داشته باشند (لباف، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

براندازی نرم، فروپاشی و استحاله در حاکمیت، از اهداف کلی جنگ نرم است. علاوه بر این، گفتمان‌سازی، مرجع‌سازی، تغییر الگوی مصرف رسانه‌ای، نخبه‌سازی مصنوعی و سلطه اطلاعاتی، از مهم‌ترین اهداف میان برد و واسطه‌ای در جنگ نرم است (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰: ۱۰).

الیاسی (۱۳۸۸) با استفاده از بررسی نظرهای کرمی (۱۳۸۷)، ساندرس (۱۳۸۲) و میچل (۲۰۰۸) مهم‌ترین هدف‌های جنگ نرم امریکا و دنیای غرب، در سایر کشورها را تغییر ایدئولوژی حاکم، کاهش مشارکت سیاسی مردم، القای ناکارآمدی حکومت، تغییر هویت دینی و ملی شهروندان از طریق تخریب پیشینه تاریخی آنان، دستکاری افکار عمومی در جهت خواسته‌های خود و علیه نظام حاکم، کاهش انسجام

1. Hard war

اجتماعی، کاهش انسجام در حاکمیت، تغییر ارزش‌های جامعه، ایجاد استحاله فرهنگی، تغییر الگوی سیاسی حاکم و تشدید و تقویت واگرایی قومی بر شمرده است (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۵).

نتیجه جنگ نرم خلع سلاح فکری، اعتقادی، فرهنگی و ارزشی یک جامعه و منفعل نمودن آن است. حداکثر نتیجه یک جنگ نرم جایگزینی فرهنگ، اعتقادات، افکار و ارزش‌های دشمن در قلب و ذهن و افکار یک ملت رقیب و پیرو خود کردن آنها می‌تواند باشد (بصیری، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

اهداف دولت‌های مستکبر در جنگ نرم به خصوص با جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به این شرح بیان کرد: از بین بردن وحدت ملی، تخریب باورهای دینی، نابودی روح امید و ایجاد یأس و ناامیدی، القای ناکارآمدی حکومت دینی، ایجاد تزلزل در پایه‌های مردمی نظام، ایجاد بی‌اعتمادی میان مردم و دولت، تخطئه ارزش‌های خودی و ترویج ارزش‌های بیگانه و ... دشمن به منظور دستیابی به اهداف خود، از توان رسانه‌ای خود (رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت)؛ محصولات فرهنگی هنری (مطبوعات، کتاب، موسیقی، فیلم، تئاتر)، احزاب سیاسی، روشنفکران وابسته، تشکل‌های صنفی، قومی و قشری و سازمان‌های غیر دولتی، بیشترین بهره را می‌گیرد (زاده علی، ۱۳۸۸: ۴۵). برای دستیابی به اهداف جنگ نرم از ابزارها و سازوکارهای متعدد و متنوعی استفاده می‌شود. اهم سازوکارهای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: دموکراسی سازی، شبکه‌سازی، انقلاب مخملین، اعطاء بورس، ایجاد شکاف بین دو نسل، القاء روحیه ناامیدی و تردید نسبت به الگوی توسعه ایرانی-اسلامی و آینده کشور، حمایت از میانه‌روها، حمایت از فدرالیسم (بصیری، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

کشور ایران در طول تاریخ به دلیل وجود ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی، طبیعی و سیاسی به خصوص واقع شدن در منطقه سوق الجیشی خاورمیانه، همواره در معرض تهدیدات و بحران‌های طبیعی و غیر طبیعی زیادی قرار گرفته و به تبع آن خسارات مالی و جانی زیادی نیز از این راه به کشور تحمیل شده است (الیاسی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸).

از نظر بلایای غیر طبیعی با پیروزی انقلاب اسلامی و ویژگی ظلم ستیزی و قد علم کردن آن در برابر مستکبران جهان، سلطه‌گران تصمیم به از بین بردن و مقابله با آن پرداختند. در دهه اول انقلاب با تدارک یک جنگ نابرابر به سرکردگی رژیم بعثی عراق، کشور ما را مورد تجاوز و حمله نظامی قرار دادند ولی بعد از ۸ سال جنگ که نتوانستند به اهداف شوم خود دست یابند، بعد از پایان جنگ، آن‌ها به فکر تهاجم فرهنگی یا به تعبیر مقام معظم رهبری ناتوی فرهنگی یا شبیخون فرهنگی روی آوردند تا از این

طریق در درون ملت نفوذ کرده و وحدت مردم، اعتماد آنها به نظام، هویت اسلامی و ملی مردم به خصوص جوانان را از بین ببرند(عبدالله خانی، ۱۳۸۵:۴۲).

دشمن در جنگ نرم، بنیان‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم را نشانه رفته و در تلاش است با تضعیف و نابودی آنها به اهداف خود دست یابد(احمد زاده کرمانی، ۱۳۸۸:۴۳). چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی در کردستان فرمودند: «نگذارید دشمن مثل موربانه به جان پایه‌های فکری، اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آنها را دچار رخنه کند»(دیدار با مردم کردستان، ۱۳۸۸). مقام معظم رهبری، حضرت آیه...العظمی‌خامنه‌ای در دو دهه پس از دوران دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران، مهم‌ترین راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی را، جنگ نرم با ادبیات مختلف (تهاجم فرهنگی، یورش فرهنگی، ناتوی فرهنگی و در نهایت جنگ نرم) معرفی و تبیین فرموده اند و در این مورد بر ضرورت شناخت و آگاه‌سازی جامعه و نخبگان کشور و افزایش قابلیت‌ها و توان مقابله و پیشدستی تأکید داشته‌اند(نائینی، ۱۳۸۹:۳). بنابراین آشنایی با ابزارها و اهداف این جنگ و راه‌کارهای مقابله با آن نه تنها ضروری است بلکه باید با هوشیاری لازم و تمام توان و امکانات خود با آن مبارزه کرد و به فکر بقاء و تداوم ارزش‌ها، فرهنگ، ملیت و قومیت کشور خود بود. چرا که جوامعی که توانسته اند بقای خود را حفظ کنند، جوامعی بوده‌اند که توانایی پاسخ‌گویی به نیازها و تطابق با تغییر شرایط را داشته‌اند. انسان‌شناسان معتقدند ملت‌هایی در طول تاریخ باقی می‌مانند که بتوانند مکانیسم مناسب بقای خود را داشته باشند(فردور، ۱۳۸۷:۸).

در مقام مقایسه سه عنصر (تهاجم، دفاع عامل و دفاع غیرعامل) عنصر دفاع غیرعامل، مخارج و هزینه‌های کمتری دارد و از نظر اخلاقی، بشر دوستانه بودن و سیاسی، مفهومی صلح دوستانه‌تر است. همچنین نیل به دفاع غیرعامل در مقایسه با دفاع عامل، ساده‌تر و سهل‌الوصول‌تر و با سیاست خودکفایی و عدم وابستگی و استقلال کشورها موافق‌تر است (کول جان، ۲۰۰۰). در این میان، دانشجویان به عنوان یکی از اصلی‌ترین، تأثیرگذارترین افراد در طراحی و اجرای راهبردهای لازم و ایجاد خاکریزهای فکری و فرهنگی جامعه و جلوگیری از پیشروی دشمن بسیار برجسته و پر رنگ‌تر از سایر اقشار می‌باشد و باید مورد توجه قرار گیرند. در این خصوص یکی از شیوه‌های دفاع غیرعامل که در کشور اسلامی ما می‌تواند جهت مقابله با جنگ نرم در نظر گرفته شود اطلاع‌رسانی و ارتقاء آگاهی دانشجویان، از طریق ارائهٔ دروس معارف اسلامی به ویژه درس انقلاب اسلامی ایران، به عنوان دروس عمومی برای کلیهٔ دانشجویان دورهٔ کارشناسی مراکز آموزش عالی می‌باشد. در چند سال اخیر کتاب‌های متعددی برای این درس به رشته

تحریر در آمده است. در این راستا، سؤال این است که آیا این درس در افزایش اطلاعات و دانش رسمی دانشجویان در باره جنگ نرم موفق بوده است؟ بنابراین هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر درس انقلاب اسلامی بر ارتقاء میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم می‌باشد.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- وضعیت میزان آشنایی با جنگ نرم در بین دانشجویانی که درس انقلاب را گذرانده‌اند و دانشجویانی که درس فوق را نگذرانده‌اند چگونه است؟
- ۲- آیا بین میزان آشنایی با جنگ نرم در بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند با دانشجویانی که این درس را نگذرانده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد؟
 - ۲-۱- آیا میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد فرهنگی بین دانشجویان مورد مطالعه متفاوت است؟
 - ۲-۲- آیا میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد سیاسی بین دانشجویان مورد مطالعه متفاوت است؟
 - ۲-۳- آیا میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد اجتماعی بین دانشجویان مورد مطالعه متفاوت است؟
- ۳- آیا میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم به لحاظ سطوح پیشرفت تحصیلی آنها متفاوت است؟

روش پژوهش

این تحقیق به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که با روش توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان می‌باشد که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بوده‌اند. نمونه آماری این تحقیق ۵۲۰ نفر (۲۶۰ نفر درس انقلاب اسلامی را طی دو ترم قبل گذرانده و تعداد ۲۶۰ نفر درس فوق را هنوز نگذرانده) بود. گروه اول نمونه تحقیق (دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را در دو ترم قبل گذرانده بودند) با بهره‌گیری از روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. جهت مقایسه از بین دانشجویان مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی که درس انقلاب اسلامی را نگذرانده بودند نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ۲۶۰ نفر به عنوان گروه گواه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از آزمون محقق ساخته ۶۴ ماده‌ای سنجش میزان آشنایی با جنگ نرم استفاده شد. آزمون مذکور به منظور سنجش میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم به صورت کلی و در سه بعد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ساخته شده است و سؤال‌های آن به صورت چهار گزینه‌ای و دارای یک گزینه درست می‌باشد و پاسخگو در صورت انتخاب گزینه درست هر سؤال، نمره ۱ و در غیر این صورت صفر می‌گیرد، بنابراین دامنه نمرات آزمون از صفر تا ۶۴ می‌باشد. اگر پاسخگو، نمره کمتر از ۲۵ بگیرد، میزان آشنایی او کم، نمره ۲۶ تا

۴۵ میزان آشنایی متوسط و نمره بالاتر از ۴۵، میزان آشنایی زیاد را نشان می‌دهد. آزمون مطابق با محتوای درسی موجود در کتاب انقلاب اسلامی نوشته عیوضی و هراتی (۱۳۹۰) انتشارات معارف (که در دانشگاه مورد مطالعه تدریس شده بود)، طراحی شد، روایی محتوایی آن به روش سیگمای شمارشی با استفاده از نظرات ۵ تن از متخصصین این حوزه در دانشگاه شهید باهنر کرمان ۰/۸۷ حاصل شد، پایایی آن به روش بازآزمایی ۰/۹۴، ضریب تمیز آزمون ۰/۷۶ و ضریب دشواری آن ۰/۶۱ به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گرد آوری شده، از شاخص‌های آمار توصیفی در حد فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و از روش‌های آمار استنباطی در حد آزمون t برای گروه‌های مستقل و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

از بین ۵۲۰ دانشجوی مورد مطالعه تعداد ۱۸۱ نفر (۳۴/۸) درصد دانشجوی پسر و تعداد ۳۳۹ نفر (۶۵/۲) درصد دانشجوی دختر بودند. برای توصیف سطوح پیشرفت تحصیلی دانشجویان، معدل نمرات گذرانده شده آن‌ها به سه سطح قوی (۲۰-۱۷)، متوسط (۱۶/۹۹-۱۴) و ضعیف (معدل کمتر از ۱۴) دسته‌بندی شد. از مجموع نمونه مورد مطالعه، ۱۴۶ نفر (۲۸/۱) دارای پیشرفت تحصیلی در سطح ضعیف، ۲۶۳ نفر (۵۰/۶) دارای پیشرفت تحصیلی در سطح متوسط و ۱۱۱ نفر (۲۱/۳) دارای پیشرفت تحصیلی در سطح قوی بودند.

تجزیه و تحلیل سؤال‌های پژوهش

۱- وضعیت میزان آشنایی با جنگ نرم در بین دانشجویانی که درس انقلاب را گذرانده‌اند و دانشجویانی که درس فوق را نگذرانده‌اند چگونه است؟

جدول ۱: توزیع فراوانی وضعیت میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم

دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند		دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را نگذرانده‌اند		میزان آشنایی با جنگ نرم
فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	
۵	۱/۹	۸۷	۳۳/۵	کم
۱۲۳	۴۷/۳	۱۶۲	۶۲/۳	متوسط
۱۳۲	۵۰/۸	۱۱	۴/۲	زیاد
۲۶۰	٪۱۰۰	۲۶۰	٪۱۰۰	کل

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۱، از بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند، ۱/۹ درصد (۵ نفر) در سطح کم، ۴۷/۳ درصد (۱۲۳ نفر) در سطح متوسط و ۵۰/۸ درصد (۱۳۲ نفر) در سطح زیاد با جنگ نرم آشنایی دارند. همچنین از بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را نگذرانده‌اند، ۳۳/۵ درصد (۸۷ نفر) در سطح کم، ۶۲/۳ درصد (۱۶۲ نفر) در سطح متوسط و ۴/۲ درصد (۱۱ نفر) در سطح زیاد با جنگ نرم آشنایی دارند.

۲- آیا بین میزان آشنایی با جنگ نرم در بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند با دانشجویانی که این درس را نگذرانده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۲: مقایسه میانگین میزان آشنایی دانشجویان دو گروه با جنگ نرم

شاخص آماری گروه دانشجویان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	
						گذرانده	نگذرانده
درس انقلاب اسلامی	۲۶۰	۴۵/۳۴	۹/۸۴	۱۸۹	۵۱۸	۰/۰۰۱	گذرانده
	۲۶۰	۲۸/۳۶	۶/۷۹	۲۲			نگذرانده

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۲، میانگین نمرات دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند، (۴۵/۳۴) و بزرگتر از میانگین نمرات دانشجویانی است که درس فوق را نگذرانده‌اند (۲۸/۳۶) و از آن جایی که مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = ۰/۰۰۱$ و با درجه آزادی ۵۱۸ = df بزرگتر است، $t_{(۰/۰۰۱, ۵۱۸)} = ۳/۲۹$ ، بنابراین، بین میانگین نمرات دانشجویان دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمرات گروه دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند بزرگتر است با ۹۹٪ اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که درس انقلاب اسلامی بر ارتقاء آشنایی دانشجویان با جنگ نرم مؤثر بوده است.

۲-۱: آیا میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد فرهنگی بین دانشجویان مورد مطالعه متفاوت است؟

جدول ۳: مقایسه میانگین میزان آشنایی دانشجویان دو گروه با جنگ نرم در بعد فرهنگی

شاخص آماری گروه دانشجویان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	
						گذرانده	نگذرانده
درس انقلاب اسلامی	۲۶۰	۱۰/۱۴	۲/۶۰	۱۰۵	۵۱۸	۰/۰۰۱	گذرانده
	۲۶۰	۶/۵۲	۲/۲۴	۱۷			نگذرانده

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۳، میانگین نمرات دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند، (۱۰/۱۴) و بزرگتر از میانگین نمرات دانشجویانی است که درس فوق را نگذرانده‌اند (۶/۵۲) و از آن جایی که مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = ۰/۰۰۱$ و با درجه آزادی $df = ۵۱۸$ بزرگتر است، $t_p(۰/۰۰۱ و ۵۱۸) = ۳/۲۹$ ، بنابراین، بین میانگین نمرات دانشجویان دو گروه در خصوص میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد فرهنگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمرات گروه دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند بزرگتر است با ۹۹٪ اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که درس انقلاب اسلامی بر ارتقاء میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم در بعد فرهنگی مؤثر بوده است.

۲-۲: آیا میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد سیاسی بین دانشجویان مورد مطالعه متفاوت است؟

جدول ۴: مقایسه میانگین میزان آشنایی دانشجویان دو گروه با جنگ نرم در بعد سیاسی

شاخص آماری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	گروه دانشجویان	
							درس انقلاب اسلامی	گذرانده
	۲۶۰	۷/۱۴	۲/۱۶	.۸۳۳	۵۱۸	۰/۴۰۳	گذرانده	
	۲۶۰	۶/۹۹	۲/۱۳				نگذرانده	

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۴، میانگین نمرات دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند، (۷/۱۴) و بزرگتر از میانگین نمرات دانشجویانی است که درس فوق را نگذرانده‌اند (۶/۹۹) اما از آن جایی که مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ و با درجه آزادی $df = ۵۱۸$ کوچکتر است، $t_p(۰/۰۵ و ۵۱۸) = ۱/۹۶$ ، بنابراین، بین میانگین نمرات دانشجویان دو گروه در خصوص میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد سیاسی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. با ۹۵٪ اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که درس انقلاب اسلامی بر ارتقاء میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم در بعد سیاسی مؤثر نبوده است.

۲-۳: آیا میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد اجتماعی بین دانشجویان مورد مطالعه متفاوت است؟

جدول ۵: مقایسه میانگین میزان آشنایی دانشجویان دو گروه با جنگ نرم در بعد اجتماعی

شاخص آماری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	گروه دانشجویان	
							درس انقلاب اسلامی	گذرانده
	۲۶۰	۸/۹۷	۲/۲۲	۲۱/۴۴	۵۱۸	۰/۰۰۱	گذرانده	
	۲۶۰	۵/۱۲	۱/۸۵				نگذرانده	

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۵، میانگین نمرات دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند، (۸/۹۷) و بزرگتر از میانگین نمرات دانشجویانی است که درس فوق را نگذرانده‌اند (۵/۱۲) و از آن جایی که مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = 0/001$ و با درجه آزادی $df = 518$ بزرگتر است، $t_{(0/001, 518)} = 3/29$ ، بنابراین، بین میانگین نمرات دانشجویان دو گروه در خصوص میزان آشنایی با جنگ نرم در بعد اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمرات گروه دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده اند بزرگتر است، با ۹۹٪ اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که درس انقلاب اسلامی بر ارتقاء میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم در بعد اجتماعی مؤثر بوده است.

۳- آیا میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم به لحاظ سطوح پیشرفت تحصیلی آنها متفاوت است؟

جدول ۶: میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم به لحاظ سطوح پیشرفت تحصیلی آنها

انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص‌های آماری وضعیت تحصیلی
۷/۱۴	۲۷/۵۴	۱۴۶	ضعیف (معدل کمتر از ۱۴)
۱۱/۷۲	۳۹/۰۵	۲۶۳	متوسط (معدل ۱۴ تا ۱۶/۹۹)
۱۰/۳۴	۴۳/۸۸	۱۱۱	قوی (معدل بالاتر از ۱۷)
۱۱/۹۹	۳۶/۸۵	۵۲۰	کل

اطلاعات جدول شماره ۶ بیانگر آن است که میانگین نمرات آشنایی با جنگ نرم در بین دانشجویان با پیشرفت تحصیلی قوی (۴۳/۸۸) بیشتر از میانگین دانشجویان با پیشرفت تحصیلی متوسط (۳۹ / ۰۵) و نیز میانگین دانشجویان با پیشرفت تحصیلی ضعیف (۲۷/۵۴) است. جهت مقایسه میانگین سه گروه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. که نتایج آن در جدول شماره ۷ گزارش شده است.

جدول ۷: مقایسه میانگین نمرات میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم به لحاظ سطوح

پیشرفت تحصیلی آنها

شاخص های آماری	مجموع	میانگین	درجات	مقدار F	سطح معناداری
منابع تغییرات	مجذورات	مجذورات	آزادی		
بین گروهی	۱۹۴۱۴/۲۱	۹۷۰۷/۱۱	۲	۹۰/۹۷	۰/۰۰۱
درون گروهی	۵۵۱۶۶/۰۹	۱۰۶/۷۰	۵۱۷		
کل	۷۴۵۸۰/۳۰	---	۵۱۹		

بر اساس اطلاعات موجود در جدول شماره ۷، چون مقدار F مشاهده شده (۹۰/۹۷) از F بحرانی با $\alpha=۰/۰۱$ و $df=۵۱۷$ بزرگتر می‌باشد، بنابراین نتیجه گرفته می‌شود بین میزان آشنایی دانشجویان سطوح پیشرفت تحصیلی مختلف با جنگ نرم، تفاوت معناداری وجود دارد. برای تعیین این که بین میانگین دانشجویان کدام سطوح پیشرفت تحصیلی، تفاوت معنادار وجود دارد، از آزمون شفه (چون حجم گروه‌ها برابر نبودند) استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۸ آمده است.

جدول ۸: نتایج آزمون شفه برای شناسایی معنادار بودن تفاوت میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم به

لحاظ سطوح پیشرفت تحصیلی آنها

گروه مبنا	گروه‌های مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	معنی داری
ضعیف (معدل کمتر از ۱۴)	متوسط (معدل ۱۴ تا ۱۷)	-۱۱/۵	۰/۰۰۱
	قوی (معدل بالاتر از ۱۷)	-۱۶/۳۴	۰/۰۰۱
متوسط (معدل ۱۴ تا ۱۶/۹۹)	ضعیف (معدل کمتر از ۱۴)	۱۱/۵	۰/۰۰۱
	قوی (معدل بالاتر از ۱۷)	-۴/۸۳	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۸، اختلاف میزان آشنایی دانشجویان ضعیف از نظر پیشرفت تحصیلی با جنگ نرم با دانشجویان متوسط و قوی در این خصوص معنا دار شد. همچنین یافته‌های آزمون شفه نشان می‌دهد که دانشجویان متوسط از نظر پیشرفت تحصیلی، میزان آشنایی کمتری با جنگ نرم نسبت به دانشجویان قوی دارند و اختلاف میانگین آن با دانشجویان قوی معنی دار می‌باشد.

نتیجه گیری

یکی از سطوح و گروه‌های هدف اصلی، در جنگ نرم نخبگان جامعه به خصوص دانشگاهیان می‌باشد، در این سطح از جنگ نرم با مدیریت ادراک نخبگان، تلاش می‌شود تا برآوردها و شناخت نخبگان از پدیده‌ها دستکاری شود و یا با انجام عملیات روانی بر آنان، عزم و اراده آنان را دگرگون سازند. ملتون و همکاران^(۲۰۰۵) بر این باورند که آماج‌های اصلی تغییرات بنیادی در جامعه، روشنفکران و تحصیل کردگان آن جامعه هستند. آنها در تأیید ادعای خویش از اصول نظریه «ارتباطات مرحله‌ای» یاد می‌کنند. در این نظریه باور این است که حکومت‌ها و نهادهای سیاسی با بهره‌گیری از رسانه‌ها بر افراد تحصیل کرده و روشنفکر جامعه تأثیر می‌گذارند و آنان نیز با تبلیغات، روشنفکری، آموزش و بر توده‌های مردم تأثیر می‌گذارند و از این طریق، موجب شکل‌گیری افکار عمومی جامعه می‌شوند. با توجه به این که جبهه اصلی جنگ نرم در داخل کشور، فضای دانشگاه می‌باشد، نقش اساتید و دانشجویان به عنوان فرماندهان جنگ و افسران جوان حایز اهمیت می‌باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند، ۱/۹ درصد در سطح کم، ۴۷/۳ درصد در سطح متوسط و ۵۰/۸ درصد در سطح زیاد با جنگ نرم آشنا بوده‌اند و از بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را نگذرانده‌اند، ۳۳/۵ درصد در سطح کم، ۶۲/۳ درصد در سطح متوسط و ۴/۲ درصد در سطح زیاد با جنگ نرم آشنایی داشتند. با توجه به این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت، دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند نسبت به دانشجویانی که این درس را نگذرانده‌اند، آشنایی بیشتری با جنگ نرم دارند. مقایسه میانگین نمرات آشنایی با جنگ نرم در بین دانشجویان دو گروه مبین آن است که از نظر آماری بین میزان آشنایی دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و با توجه به این که میانگین نمرات دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را گذرانده‌اند بیشتر از میانگین گروه دانشجویانی است که درس فوق را نگذرانده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که گذراندن درس انقلاب اسلامی در افزایش میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم مؤثر بوده است.

بنابراین، گذراندن درس انقلاب اسلامی ایران بر آشنایی بیشتر دانشجویان با جنگ نرم تأثیر داشته است اما از آنجایی که میزان آشنایی با جنگ نرم فقط در بین ۵۰ درصد از دانشجویانی که درس فوق را گذرانده‌اند در سطح زیاد بوده است لذا اختصاص حجم بیشتری از کتاب انقلاب اسلامی به مباحث جنگ نرم و تأمل پیرامون روش‌های تدریس مدرسین این درس ضروری به نظر می‌رسد.

یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که میزان آشنایی با جنگ نرم در ابعاد فرهنگی و اجتماعی در بین دانشجویانی که درس انقلاب اسلامی را پاس کرده اند بیشتر از دانشجویانی است که درس انقلاب اسلامی را پاس نکرده‌اند؛ به سخن دیگر می‌توان نتیجه گرفت، گذراندن درس انقلاب اسلامی در افزایش میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم در ابعاد فرهنگی و اجتماعی مؤثر بوده است. بعد فرهنگی، مهم‌ترین بعد جنگ نرم است. تهاجم فرهنگی، مقدمه جنگ نرم به شمار می‌آید زیرا عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا با استفاده از ساز و کارها و روش‌های فرهنگی، بر ارزش‌های بنیادی جامعه (ارزش‌هایی مانند خدامحوری، ولایت‌مداری، دشمن‌ستیزی، عدالت‌خواهی، خودباوری و...)، نگرش‌های پایه (مانند نگرش به بیگانگان، نگرش به نوع حکومت، نگرش به نوع روابط اجتماعی و...)، ترجیحات اساسی (مانند ترجیحات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...) آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی تأثیر بگذارند و آن را دستخوش تغییر قرار دهند. نتیجه جنگ نرم فرهنگی، استحاله فرهنگی و تغییر هویت است (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۱). اگر دانشجویان هویت ملی و میراث فرهنگی خود را به خوبی بشناسند و به آن افتخار کنند، این ارزش‌های بنیادی، و نگرش‌های پایه و اصول اخلاقی بازدارنده‌های قوی جهت کنترل رفتار آنان است. بعد اجتماعی جنگ نرم شامل، کنش‌های اجتماعی، روابط و تعامل میان فردی، آداب و رسوم و رفتار جمعی می‌شود که آماج تغییر قرار گیرند (الیاسی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹). در بعد اجتماعی جنگ نرم، عاملان جنگ نرم، در پی آن هستند تا بر هویت مردم جامعه، انسجام اجتماعی، روحیه ملی، سرمایه اجتماعی، الگوی رفتاری، دلبستگی ملی و... تأثیر بگذارند. تمام تمرکز جنگ نرم بر فعالیت‌هایی با صبغه اجتماعی و فرهنگی به منظور تسخیر قلب‌ها و مغزهای جامعه هدف بدون خونریزی است. در این شکل از جنگ که پیروزی‌هایش سریع‌تر و تخریب فیزیکی‌اش کمتر است، پذیرش متخاصم نیز راحت‌تر صورت می‌پذیرد. اما آثار و عواقب و معضلات اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی آن، در بلندمدت برای کشور مغلوب بسیار سنگین‌تر از جنگ‌های صرفاً نظامی خواهد بود. از میان بردن بصیرت و آگاهی افراد یک جامعه، مهم‌ترین هدف در جنگ نرم محسوب می‌شود. امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی در جوامع، به خصوص در زمینه امور حکومتی، تقویت مشروعیت سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار م‌شوند. بر همین اساس، طراحان جنگ نرم می‌کوشند سرمایه‌های اجتماعی جامعه هدف را به طرق مختلف کاهش دهند (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۶). با توجه به مطالب ذکر شده در باره اهمیت ابعاد فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم و نتایج این

تحقیق که نشان داد درس انقلاب اسلامی می‌تواند در آشنایی بیشتر دانشجویان در این دو بعد مؤثر باشد، باید به تدوین صحیح متون علوم انسانی بر اساس علوم اسلامی، هماهنگ با آخرین پیشرفت‌های علوم انسانی در مغرب زمین پرداخته شود تا دانشجویان علم دین محور خود را فراگیرند.

نتایج دیگر تحقیق حاکی از آن است که بین میزان آشنایی دانشجویان دو گروه با جنگ نرم در بعد سیاسی، از نظر آماری تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت درس انقلاب اسلامی در میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم در بعد سیاسی مؤثر نبوده است. در بعد سیاسی، عاملان جنگ نرم درصددند تا نوع نگرش، موضع‌گیری و کنش شهروندان یک جامعه را در برابر حکومت و نهادهای سیاسی آن، دستکاری نمایند و آنان را برای دست یازیدن به کنش‌های اعتراض‌آمیز مانند: راهپیمایی، تظاهرات، اعتصاب و جز آن، ترغیب کنند. به تعبیر روشن‌تر، عاملان جنگ نرم در پی آن هستند که شهروندان جامعه را وادار به نافرمانی مدنی نمایند تا بر اثر آن، رفتار حکومت، یا حتی نوع حکومت را به تدریج دستخوش تغییر کنند (ساندرس، ۲۱:۱۳۸۲) و مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی الگوی سیاسی موجود را مورد تردید قرار دهند. شاید از این رو است که برخی محققان، «انقلاب‌های رنگی» را در زمره جنگ نرم سیاسی جای می‌دهند؛ زیرا در این فرایند، الگوی سیاسی کشور هدف، به چالش کشیده می‌شود. برخی صاحب‌نظران، بعد سیاسی جنگ نرم را با اهمیت‌تر از سایر ابعاد می‌دانند. متولیان بنیاد فرهنگی - پژوهشی غرب‌شناسی در نوشتاری با عنوان «شیوه‌های به‌کارگیری قدرت نرم»، وجه سیاسی جنگ نرم را برجسته‌تر از سایر ابعاد بیان می‌کنند. آنان تهدید و جنگ نرم را اقدامی سیاسی می‌دانند (نائینی، ۲۱:۱۳۸۹)، با توجه به اهمیت و نقش برجسته بعد سیاسی جنگ نرم از دیدگاه صاحب‌نظران از یک سو و راهبردی بودن سطح دانشجویان و نخبگان فکری جامعه در جریان جنگ نرم از سوی دیگر، آگاهی بخشی و افزایش بینش و بصیرت آنان از ضرورتی دوچندان برخوردار است اما نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که درس انقلاب اسلامی تأثیر زیادی در آشنایی دانشجویان با بعد سیاسی جنگ نرم نداشته است. شاید دلیل آن را بتوان به کم و کیف محتوای مربوط به این بعد از جنگ نرم در کتاب انقلاب اسلامی و نیز کیفیت تدریس و تجزیه و تحلیل مباحث مربوط به آن در کلاس‌های درس نسبت داد.

نهایتاً نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم به لحاظ سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی آن‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و دانشجویانی که از نظر پیشرفت تحصیلی در سطح بالایی هستند میزان آشنایی بیشتری با جنگ نرم دارند. با توجه به این که جنگ نرم مقوله همگانی می‌باشد و همه اقشار جامعه به خصوص کلیه دانشجویان دانشگاه باید اطلاعات کافی و لازم را در

باره آن داشته باشند ضروری است مسئولین دانشگاه‌ها، سعی کنند با تدوین و به اجرا گذاشتن برنامه‌های خاص، زمینه افزایش میزان آشنایی کلیه دانشجویان را با جنگ نرم فراهم نمایند. در یک جمع بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که تهی کردن افراد یک جامعه از بینش صحیح و دستکاری عمدی و اختلال آمیز در بینش و آگاهی افراد به ویژه نخبگان یک جامعه، هدف اصلی جنگ نرم محسوب می‌شود، از آن جایی که ساختار بینش فرد از سه عنصر تأثیرگذار آگاهی‌ها، باورها و ارزش‌ها نشأت می‌گیرد و آگاهی‌ها به عنوان عامل اساسی در شکل‌دهی و تغییر نظام ادراکی فرد می‌باشند، بنابراین افزایش مستمر شناخت و آگاهی‌های دانشجویان به منظور تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌ها و در نهایت شکل‌گیری بینش صحیح در آنان بسیار مهم و حیاتی می‌باشد در این راستا پیشنهادهای زیر را می‌توان مطرح کرد:

- افزایش بصیرت و آگاهی دانشجویان برای شناخت دشمن، حفظ وحدت و انسجام ملی، پایداری و مقاومت، استحکام ساخت داخلی نظام از طریق آموزه‌های دانشگاهی و رسانه‌ها.
- تدوین برنامه مدون و سازمان یافته برای بحث و گفتگو و تبادل نظر میان دولتمردان و دانشجویان به منظور افزایش تعامل بین مراکز آموزش عالی و سیاسی و ارتقاء آگاهی‌های سیاسی دانشجویان.
- فراهم ساختن زمینه‌های مساعد جهت تقویت بینش و درک سیاسی دانشجویان در قبال سرنوشت خود و تصمیم‌گیری‌های جامعه.
- تقویت زیر ساخت‌های فرهنگی- آموزشی به منظور تقویت حس میهن‌دوستی و علاقه به فرهنگ ایرانی- اسلامی و احساس مسؤلیت در قبال آن.
- فراهم ساختن شرایط پیشرفت دانشجویان و کسب منزلت آن‌ها در جامعه.
- فراهم آوردن زمینه درک صحیح امور بین‌المللی برای دانشجویان از طریق ارائه دروسی با محتوای مسائل جهانی و بین‌المللی.

منابع

- احمدزاده کرمانی، روح الله (۱۳۸۸)، در آمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعاتی بسیج، شماره ۴۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱) مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲.
- الیاسی، محمد حسین (پاییز ۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر ماهیت و ابعاد تهدید نرم، فصلنامه نگاه، سال دوم، شماره پنجم.
- الیاسی و همکاران (۱۳۸۸) پروژه تحقیقاتی بررسی تهدیدات نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، معاونت فرهنگی اجتماعی بسیج.
- بصیری، محمد علی (۱۳۹۰)، جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره ۵.
- جاودانی شاهدین، حمید (۱۳۸۴)، درآمدی بر شناخت ایجاد تهاجم فرهنگی، مجله حوزه و دانشگاه، سال دهم، شماره ۳۵.
- زاده‌علی، علی (۱۳۸۸)، جنگ نرم، ابزارها، اهداف، راهکارهای مقابله، برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب در ارتباط با جنگ نرم، مجله پیام انقلاب، شماره ۳.
- ساندرس، فرانسیس (۱۳۸۲)، جنگ سرد فرهنگی، ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران، انتشارات غرب شناسی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵)، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- فردرو، محسن (۱۳۸۷)، الزامات فرهنگی پدافند غیر عامل (دفاع غیر عامل). میزگرد اساتید دانشگاه‌های کشور و مسئولان سازمان پدافند غیر عامل. تهران، دی ماه.
- لباف، فریبا (۱۳۹۰)، مقابله با جنگ نرم در دانشگاه، فصلنامه توسعه، سال ششم، شماره ۲۱.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم، فصلنامه مطالعات بسیج، سال چهاردهم، شماره ۵۰.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۷)، راهکارهای آمریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه عملیات روانی، سال ششم، شماره ۲۲.

- نقیب السادات، سیدرضا(۱۳۸۷)، پدافند غیر عامل مقوله ای فرهنگی، ویژه نامه جشنوار فرهنگی هنری پایداری ملی، شماره یک.
- نائینی، علی محمد(۱۳۸۹)، در آمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸.
- نای، جوزف(۱۳۸۳)، قدرت نرم، ترجمه محمود عسگری، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۶.

17.Coljh, n.w.(2000). Military center of study of clouswitz concept of the Gravity: New York.

18.Kellerman , A.(2002) *The internet on Earth: A geography of information* ,John Wiley: New York.

19.Melton , W and et al. (2005), Communication and Elites, The Journal of Social and Personality Psychology, Vol 33.

20. Spradeley, P.(1995). *The Hidden Dimension of culture*, New York: Ronald Publishing Company.

Archive of SID